کند اما این را حق خود میداند که مراکز و مواضع مجاهدین را نابود سازد . روس فقط یک موضوع را بشکل دیگر پوشش داده قبلاً می‌گفت که از ورود عساکر امریکائی ، پاکستانی و چینایی جلوگیری گردد حالا گفته است که از ورود ژورنالستان خارجی که به خاک افغانستان می آیند جلوگیری گردد تنها اصطلاح عساکر چینایی ، . . . را به اصطلاح ژورنالست تبدیل کرده است ، دیگر اینکه ورود ژور نالستان خارجی آگاهی از واقعیت و افشای فریب و جنایات روس ها بوده‌که تحت عنوان اوربند انجام خواهند داد ، با مندرجات مقایسوی فوق الذکر سفاهت و خباثت روس را بخوبی آشکار می‌کند ، که منظور از آتش بس آتش کردن بوده نه آتش نکردن که اصولاً فاقد اعتبار و ارزش است .

۵ ـ روس از دهن کثیف مزدورش چنین و انمود میسازد که برهم زدن به اصطلاح حاکمیت مرد سی از طریق نظامی واهی‌است و از این طریق می خواهد چنین نشان دهد که پذیرش پیشنهاد آتش بس راهی برای حل سیاسی قضیهٔ افغانستان بوده و باید به آن دلچسپی گرفت .

رد آن :

در حالیکه روس از آغاز تجاوز تاکنون در افغانستان از

لحاظ سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و نظامی از مدار انتخابی در حال نزول بوده تره‌کی به مجرد دستیابی به قدرت از کمونیزم گرفت تا امین به سوسیالیزم رسیده و تا ببرک به جبهه پدر وطن و اکنون آتش بس ، صلح و جبهه . . . و سرانجام حکومت ائتلافی، این گراف نزولی چه عاملی دارد ؟ آیا روس در شکست است یا در موفقیت ؟

این انعطاف پذیری صریح و برگشت کلی از مسیر فکری، نوع تسلیمی به تشکیل حکومت ائتلافی که شکست سیاسی روس به صراحت در آن ثابت می شود ، ناشی از مقاومت مسلحانه و تداوم جنگ و فعالیت نظامی می باشد بنأ ما روس را در حدی کشانده ایم که باید به شکست خود اعتراف کند و اینکه می‌خواهد در ذهن ما راه غیر نظامی را مطرح نماید که گویا از طریق نظامی ممکن نیست روس شکست کند ما به این حرف قانع نیستیم چه در تجربه ثابت کردیم که راه شکست روس در تداوم جهاد مسلحانه و گسترش هرچه بیشتر فعالیت نظامی است زیرا اقتضای طبیعت روس چنین بوده که تا منگر نظامی آن شکسته نشود به شکست سیاسی و قطعی اعتراف نمی‌کند .

٦ - روس به نوکرانش توصیه می‌کند تا شکل فریب‌شانرا تنوع بخشند این موضوع‌را چنین رقم می زنند که در متن‌پشنهاد

آمده است :

«باید با هر گروه برخورد متفاوت کرد، به روحانیون پول بدهیم، به روابط عنعنوی مردم دقت کنیم، رسوم مردم را که دین مبین اسلام است بحیث پلاتفورم متحد کنندهٔ مصالحه ملی بشناسیم» .

رد آن:

توجه کنید : رژیم مزدور روس علناً به معتقدات اسلامی حمله کرد و آنرا به تمسخر گرفت طوریکه اسلام را جزء رسوم و عادات مردم می خواند ـ درحالیکه اسلام دین است ، عقیده است مسلک و مکتب است و یک نظام مکمل می باشد نه تنها رسوم و عنعنه نیست بلکه هرنوع رسوم وعنعنه خرافی را ردمی کند . قراردادن اسلام به رسوم و عنعنه اسلام را تحریف کردن و عظمت دینی را مسخره نمودن است .

در بارهٔ علماء روحانیون پیشکش کردن پول ، توهین به مقام علماء و روحانیون بوده علماء عقیده را با نثار خون خویش حفظ می کنند، مسلمان در سبیل حق می رزمد و با عشق ومحبت حصول رضای خدا (ج) را می جوید . مسلمان شمشیر در کف می نهد و هدف را عالی تر و بزرگتر از انبار پول و مادیات می داند به پیشگاه مسلمان خاک و زر یکسان است . این شما

افراد جاهل کودن و نابخرد هستید که از بزرگترین ثروت و عظیم ترین موهبت خداوندی که ایمان و عقیده است محروم می باشید و در بدل متاع دنیا نه حیثیت را میشناسید و نه عزت و غیرت را .

بزرگترین سرمایه ما ایمان است و نفرین بر شما عمال خاین که ناموس و شرف تانرا در بدل پول تبادله می کنید . علماء و روحانیون مؤمن ما از عظمت و مدارج عالی و فخیم برخوردار هستند . این محال است که قلب های مصقل از نور معرفت شخصیت‌های دینی و اجتماعی را با پول تطمیع کرد .

در طول تاریخ ، رهروان باطل درسه موضع در برابر پاسداران حق قرار گرفته اند : زور ، زر و تزویر . روس در افغانستان - جریان درگیری خودرا در مرحلهٔ زر و تطیمع نمودن شدت می دهد، اوربند ، ترک جنگ و مخاصمت نبوده بلکه تبدیل موضع به موضع دیگر است .

۷- طوریکه قبلاً واضح گردید که روس چیزی تازه نگفته تا دال بر ترک خصومت و ختم جنگ در افغانستان باشد بلکه جملات و اصطلاحات قبلی اش را رنگ دیگری داده و از تنوع کارگرفته است .

روس تحت‌عنوان پیشنهاد اوربند مسألهٔ تماس را با سران

قبایل و تقویت جاسوسی در مناطق سرحدی از طریق مساعد ساختن امکانات لازم مادی و تسلیحاتی درمیان می گذارد :

«اقوام و قبایل درجهت، مسیر سرحدات باپاکستان شرایطی را برای قطع مداخله ایجاد خواهند کرد دراین مرحلهٔ (اوربند) کارزیادی اقوام وقبایل انجام خواهند داد در شهر جلال آباد مرکزجدید خود جنگ را برضدجنگ آغاز نمایند»روس بوضاحت در جریان اوربند تماس باسران قبایل واز تقویت جاسوسی در مناطق سرحدی یاد آورگردیده است . روس درحالیکه از یک طرف از صلح و برگشت اوضاع عادی در افغانستان دم می زند از جانب دیگر در صدد تقویت دستگاههای جاسوسی و ایجاد خصومت و دشمنی در مناطق سرحدی میباشد تاسرحدات افغانستان را بروفق برنامهٔ ایکه دارند توسط آنان کنترول نمایند یعنی ملیشه‌های را برضد مجاهدین ، مهاجرین وپاکستان تشکیل دهند وهم بوضاحت از بوجود آوردن مرکز تبلیغاتی تروریستی وتخریبی درجلال آباد نام برده. آیا روس در کدام ساحه فعالیت خودرا مشوقف می سازد درحالیکه ـ پروگرام نظامی و سیاسی آن کماقی السابق ادامه داشته ـ که درمرحلهٔ اوربند بدون مزاحمت و مشکل در توسیع وگسترش آن می‌پردازد چه روس به علت موجودیت مقاومت مجاهدین درداخل

افغانستان نمی تواند در پاکستان علناً مداخله کند اما با تضعیف مقاومت در افغانستان مداخلهٔ روس در پاکستان بدون توقف از طریق سیاسی و نظامی دنبال خواهد شد.

۸ - روس به ادامهٔ ارتباط‌با‌اقوام و قبایل چگونگی ایجاد زمینهٔ تفاهم باگروپ‌های مسلح جهاد راتمرکز حاکمیت خود در افغانستان می داند.

تحقق پروگرام ارائه شده ، اهداف اصلی روس هاست فقط یک سلسله لفاظی‌های دیگربرآن اضافه شده از قبیل:

«ما نمی توانیم گروپ‌های مختلف سیاسی میانه رو ، سلطنت طلبان ، و گروپ‌های مسلح ضد دولتی‌را از مصالح ملی مستثنی سازیم»

وبه ادامهٔ آن از پذیرش شخصیت‌های عمدهٔ اپوزیسیون در اصطلاح مصالحه ملی یاد آورگردیده و حرف ازپیوستن آنان به قدرت مردمی که منظور ازرژیم مزدور است،بیان می‌شود.

اصطلاح اپوزیسیون که لینن خبیث آنرا در اعلامیهٔ «مانیفست حزب کمونیست» در سطر اول آن بکار برده و اطلاق آن متوجه گروههای مخالف است . کمونیست ها گروههای مخالف خود رابه تعبیر اپوزیسیون‌های منفی‌ورجعت گرامی‌شناسند.

بانی جنایت کمونیزم (لینن) در اعلامیهٔ مانیفست حزب

کمونیست، این اصطلاح را به ادعای موفقیت در برابر جناح های رقیب بکار برد و منظور از آن آغاز مرحلهٔ دیگر برای تحقق اهداف کمونیستی بود. نوکرانش نیز به زعم آغازموفقیت در مرحلهٔ دیگر هستند که از این اصطلاح نام می برند.

اپوزیسیون نزد کمونیست ها باند، دسته، گروه می باشد طوریکه قبلاً نهضت مقاومت اسلامی را بنام های اشرار، تخریب کار، رهزن یاد می کردند اکنون که دم از مصالحه می زنند همان اتهامات قبلی را در اصطلاح جدید اپوزیسیون که نزد آنان معنی دزد،رهزن و مخرب را دارد پوشش داده اند هیچ فرقی در لفظ و تبلیغات آنان نیامده بلکه اصطلاحات پرفتنه و عمیقاً کوبنده را بالحن فریبنده شکل داده‌اند.

روس که بر اساس برنامهٔ منظم حرکت اش را عیار می- سازد. برای اینکه توانسته باشد درمرحلهٔ توطئه اوربند ودرخواست صلح و تشکیل حکومت ائتلافی تبلیغات خود را در سطح ملی و بین المللی وسعت بخشد یک تعداد افراد مزدور و فاقد حیثیت ملی و هویت اسلامی را قبلاً به عناوین مختلف در امریکا و اروپا اعزام نموده. آنان‌را فقط برای همین توطئه تعبیه نموده بودند که هرگاه روس دسیسهٔ تشکیل حکومت ائتلاف و صلح را پیشنهاد نماید آن افراد مزدور فوراً بپاسخ آن‌برخاسته وصدای

بادارن شالر البیک گویند. همان‌است که یک‌تعداد افراد مجهول فاقد اراده و شخصیت که قبلاً در امریکا توطئه را تحت عنوان حکومت جلای وطن به راه انداخته بودند اخیراً به حکم روس دوباره بـه افغانستان عـودت کـرده تـا تبلیغات روس را در زمینهٔ موفقیت خدعهٔ جدید تصدیق نموده باشند و هم چنان از پیوستن یک تعداد افراد ملیشه و مزدور به عنـوان مجاهدین پروپاگند بی محتوای دیگر را به راه انداخته که قطعاً مصداق نداشته و ندارد.

۹ - ادامهٔ مقاومت درسنگرها و تحکیم جهـاد مسلحانـه عامل اساسی تشخص هویت سیاسی مجاهدین و شنـاخت قضیهٔ افغانستان در سطح بین المللی گردید روس هر قـدر فشار نظامی خودرا شدید ساخت سرعت مقـاومت بالا رفت و توجـه محافل سیاسی و مجـامع بیـن المللی جانب افغانستـان جامب شدوروس بحیث یک متجاوز ناکام در انـزوای مطاق سیاسی قـراوگرفت. روس با تـوطئه اوربنـد مـی خواهـد عامـل اساسی تکامل ورشد قضیه افغانستان راکه تحکیم سنگرها وگسترش جهاد مسلحانه می باشد برطرف سازد طوریکه روس اعتراف می کند :

«تمام جهان اکنون مراقب اوضاع افغانسـتـان وچگـونگی حل و فصل آن می باشد باید ازاین چانس مساعد بـه نفع خود

استفاده کنیم »

یعنی سنگرهای جهاد مسلحانه را خاموش سازیم ، شدت مقاومت را کا هش‌دهیم تا ارزش سیاسی قضیه افغانستان درسطح بین المللی تضعیف گردد.

۱۰-روس در قبال‌قضیهٔ افغانستان بحیث‌مسئول جنایات جنگ و ادامه آن شدیداً محکوم بوده درسطح بین المللی عامل اصلی ادامهٔ جنگ در افغانستان شناخته شده است .

روس با اعلام اوربند یک جانبه می خواهد چنین وانمود سازد که او اصلاً عامل جنگ نبوده بلکه عامل جنگ کسانی دیگرهستند طوریکه نجیب مزدور جریان اور بندرا تشخیص طرف صلح و جنگ می داند .

۱۱- روس چنین‌تصور کرده که‌ممکن‌مردم‌در محیط هجرت منتظر شرایط قسماً مساعد برای عودت به‌کشور باشند، روس قبلاً هجرت مردم را از وطن ، تخلیهٔ افغانستان از موجودیت‌ـ نیروهای بشری تلقی می کرد و طوری زمینه سازی می نمود که مردم جبراً به هجرت و ادار شوند اما بعداً دریافت که محیط هجرت سرمایهٔ جهاد و مقاومت است و مهاجرین از ـ حیثیت و اعتبار بخصوصی برخوردار هستند . هدف در توطئه کنونی روس مبنی برعودت مهاجرین تنزل دادن اعتبار حاصلهٔ

آنان در سطح جهانی و ایجاد کشمکش داخلی درمحیط هجرت می باشد .

۱۲ - چون روس هر قدر عملیات نظامی خودرا تشدید نمود فشار برمواضع مجاهدین باعث‌تحکیم روابط میان صفوف جهادی گردید و هرقدر فشار دشمن بالای مجاهدین بیشتر شد روابط ذات البینی مجاهدین گسترش پیداکرد ، روس به منظور اینکه ساحه را برای فعالیت سیاسی مساعد ساخته باشد از تقلیل فشار نظامی استفاده می کند تا از یک جانب نیروهایش را منظم سازد و از جانبی در قوت نفوذ خود برقوت های جهادی بیفزاید .

۱۳- روس باشایعهٔ اخیر مبنی براعلام اوربند یک جانبه تشخیص داده که ممکن بتواند جبههٔ نفاق را تقویت کند و مردم را در نوع آمیزش کاذبانه نسبت بخود متمایل ساخته وبه مرورزمان شدت روحیهٔ مقاومت را کاهش دهد .

۱٤- درجنگ ها معمولاً جانبی برنده هست که از انگیزهٔ قوی و هدف مشخص و جناب برخوردار باشد . روس اول کوشید تا با رشد دادن یک سلسله اهداف ظاهر فریب مسیر جنبش را به انحراف بکشد کوشید تا هویت اعتقادی انقلاب اسلامی افغانستان رابزداید . تبلیغ می کرد که اسلام پنج بنای

بسم الله الرحمن الرحیم

«ومکروا و مکر الله والله خیر الماکرین»

اخیراً موجود سفاک تاریخ «نا نجیب» از طریق رادیو صدای روس در کابل شایعه ئیرا مبني بر قطع جنگ، عدم مبادلهٔ آتش و خاتمه دادن به اوضاع کنونی افغانستان بدست نشر سپرده که به موجب آن اوربند یک جانبهٔ را از تاریخ ۲۵ جدی ۱۳۶۵ اعلام داشته است.

موضوع جنگ در افغانستان مطلبی تازه نبوده که چند ان قابل توجه باشد، زیرا تره‌کی و امین هم گفته بودند که با ما نجنگید و تسلیم شوید، ببرک نیز همینکه براریکه جلادی تکیه داد اعلان کرد: هر که سلاحش را بگذارد مورد عفو قرار می گیرد.

ببرک که در مکر و حیله استاد نجیب بود برخلاف آنچه تصور می‌کرد نتوانست جز خود را بفریبد. و اما نجیب مفسد در شرایطی زوزه می‌کشد که مقاومت ملت مسلمان افغانستان

مسلمانی است، حکومت از اسلام جداست ، سیاست با اسلام سروکاری ندارد اما که سودی نه بخشید .

چون انگیزهٔ مقاومت در افغانستان موجودیت کفر و قشون متجاوز و هدف از مقاومت را تشکیل حکومت اسلامی احتوامی کند . روس به غرض تضعیف انگیزه واینکه مجاهدین را از لحاظ هدف به کوری کشانده باشد کاذبانه در توطئه بعد، اوربندوا خراج قوای خودرا مطرح نموده است وحتی تشکیل حکومت اسلامی را نیز درمتن تبلیغات خود عنوان کرده که منظور از آن خلع مجاهدین از پشتوانه ، انگیزه و هدف است :

۱۵ - چون جهادافغانستان باکمیت اندک اما کیفیت نیرومند و عالی رشد سریع نموده درحالیکه غنایم حاصله از دشمن بهترن منبع تسلیحاتی و آکمالاتی مجاهدین است روس در عملیات پیاده نظام مطلقاً و مطلقاً درشکست بوده ویگانه اتکای آن افزایش عملیات هوائی بوده است .

چون تبلیغات اخیر درسطح بین المللی مبنی بر اینکه اگر مجاهدین افغانستان بخواهند براي آنان وسایل ضد هوائی مهیا می گردد روس از هراس اینکه مجاهدین باوسایط ضد هوائی مجهز شوند که روس در آنصورت بهشکست فاحش مواجه گردیده

جز عقب نشینی و ترک افغانستان چاره نخواهد داشت .

روس اوربند و عدم عملیات هوائی را اعلان کرد تا درصورت امکان چنین سلاح ها به دسترس مجاهدین قرارداده نشود و منظور ازآن متوقف نمودن وبه عقب انداختن دسترسی مجاهدین به سلاحهای ضد هوائی است .

۱۶- روس چهار دور مذکرات ژنو را از مسیر اصلی اش که چگونگی اخراج قوای آن از افغانستان بود درپوشش مذاکرهٔ مستقیم پاکستان با رژیم کابل مصروف نگهداشت و هدف کنونی از مانور اوربند این است که روس بازهم جریان کنفراس ژنو رابا ایجاد معضله' جدید مصروف سازد .

۱۷- اظهارات نجیب مزدوردرمورد اینکه مردم ازجنگ خسته شده و پیشنهاد اوربند درتسلیمی مجاهدین مؤثر می باشد روس و عمالش دراین محاسبه به خطا رفته که گویا مردم ازجنگ خسته شده‌اند در حالیکه جنگ ملت مجاهد افغانستان ما هیت اعتقادی دار دو براساس حکم خداوند و سنت نبوی و وجوب امر مقاتله با کفار، مشرکین و منافقین را پذیر فته اند . مؤمن از عبادت خسته نه می شود، جهاد عبادت است . روس باید از جنگ خسته شود که بدون هدف [illegible] برخود جنگ را تحمیل کرده است ما جنگ [illegible] قبول کرده‌ایم و شهادت را



انتخاب ننموده ایم . ما نه در انتخاب اشتباه کرده ایم و نه در محاسبه به خطاب رفته ایم و نه در عبادت خسته شده ایم می کشیم و کشته می شویم و در سبیل حق آماده هیچ نوع سازش و انعطاف پذیری نیستیم .

۱۸ - روس برای توجیه پذیر نمودن توطئه او ربند و پیشنهاد صلح به یک سلسله اعترافات می پردارز د تا اسباب اعتماد و اطمنیان را بوجود آورده باشد

«در افغانستان کشتار انسانان بیگناه جریان دارد ،اقتصاد ملی فلج است»

شعار ما نان، لباس و خانه بود به عوض نان مرمی، به عوض لباس کفن و به عوض خانه گور به مردم افغان کردیم

در افغانستان ظلم است و تباهی آمده»

این اعترافنامه سفاکان کریملین و عمال آنان را در قضاوت تاریخ و پیشگاه عدل خداوند می سپاریم - که بربندگان عاجز و ناتوان آن اربا بان ظلم وز ور چه کردند - ملت افغانستان با داشتن موقف عدم انسلاک در بلوک نظامی سیاست غیر وابستگی داشت که بلاموجب مورد تجاوز و تهاجم قرار گرفت - وروس تا قدرت داشت [illegible] توانست ویران کرد اما قامت رسای ملت با [illegible] نشدتا آنکه حتی‌دشمن بر ظلم

و قساوت خود اعتراف میکنند که در افغانستان ظلم کردیم و خون ریختیم پس اعتراف ظالم در ظلمش دلیل نجات آن شده نمی تواند ـ تا ظالم نابود نشده ظلم وجود دارد بساط ظلم زمانی برچیده میشود که ظالم محو گردد .

۱۹ ـ در مورد تشکیل حکومت‌ائتلاف و آشتی ملی موقف و موضع ما کاملاً روشن و آشکار است .

طوریکه آشتی حق با باطل ـ ایمان با کفر , ظالم با مظلوم ، مستضعف‌با مستکبر، مدافع‌با متجاوز، اسلام با کمونیزم، مطلقاً محال ، حکماً ناجایز عقلاً متسحیل ، منطقاً ناممکن می‌باشد . فلسفه تاریخ، جنگ حق و باطل است مبدأ و دوام تاریخ در مسیر مبارزه و خصومت حق و باطل جان می گیرد چگونه می تواند تاریخ را خاتمه داد و اصالت آنرا نادیده گرفت . مجاهدین با اصول مشخص و هدف معین با روس و عمال آن به جهاد مبادرت ور زیده اند .

مفهوم زندگی انسان در محتوی کشمکش و مبارزه دایمی حق و باطل خلاصه می شود ؛ کفر و اسلام آشتی ناپذیرند ـ خصومت میان دو نیروی متضاد حق و باطل ـ مستمرو جا و دوان می باشد باتمسک براین اصل در پیشنهاد روس مبنی بر تقاضای « آشتی ملی » جواب ما فرمان خداوند (ج) بوده

و تا سرحد «و قاتلو هم حتی لاتکون فتنه»می رزمیم.

و اما در مورد حکومت ائتلافی بازهم موقف‌ثابت و اصولی داریم .

اول : ـ واژه ائتلاف در اسلام بیگانه است ، خداوند مسلمین را به اتحاد و یکپارچگی حکم مــی کند ـ اتحاد برپایه ایمان و تقوی ـ در جهت تحقق هدف. واحد شرط عمده و اساسی در اتحاد مسلمین ؛ استمرار و تداوم آن است ـ

دوم : ـ اسلام تعاون و همکاری را بازیا نکاران و کسانیکه در خسران هستند نفی می کند«ولا تعاونوعلی الاثم والعدوان»

سوم : اسلام نظام مکمل و اصول مشخص دارد هرگونــه افکار التقاطی و نظم مختلط در اسلام ممنوع‌و غیر مشروع می باشد .

چهارم : ـ روس‌در قبال‌دعوت‌مجاهدین‌به تشکیل حکومت ائتلافی‌در حالیکه از صورت‌عدم امکان‌آن‌مطلقاً آگاه‌است اما توطئه روس در ارائـه چنـین پیشنهادات کـه قطعاً تحقق پذیر نبوده و حتـی در حـدس و گـمان هـم عینیت یـافتن آن نـمی گنجد ـ محض صورت تبلیغاتی و اغفـال کننده دارد ـ (اکنون آ گاهــی ازفریب دشمنی را درمحدوده ذهنی خـودشان چنین بررسـی می‌- نمایم دو گروه کمونیست خلق و پـرچم در افغانستان کـه راه مشترک ، هـدف مشترک ، پـا دار مـشترک و انـدیشه مشترک

دارند از آغاز تاکنون موفق نشدند تازمینه تفاهم و یکپا رچگی خود را مساعد سازند . دست یکی بخون دیگرش آلوده است و روس تا حال نتوانسته از قوت دو گروه خلق و پرچم در زمان واحد استفاده کند - آیا چطور امکان دارد - که مجاهدین با نوکران روسی در صورتیکه - هیچ نوع و جبهه مشترکی وجود ندارد ، حکومتی بسازند که موجب برگشت صلح وامنیت در افغانستان گردد ؟ در اخیر موضوع را با مثال تشریح می- کنیم کرموافق باذهنیت هم باشد

دو نفر باهم مسابقه دارند تا فاصلهٔ مشخص را در یک وقت معین طی نمایند . یکی از این دو افراد رقیب در طول راه خسته و ضعیف می گردد اما جانب مقابلش هنوز آمادهٔ رفتن و صاحب توانائی ادامه دادن به حرکت را دارد فرضاً اگر فرد خسته و مانده پیشنهاد کند که به غرض رفع خستگی مدتی نشست نمایند . فرد دو می که رقیب و حریف اوست . آنرا نمی پذیرد زیرا هدف او از مسابقه ، خود را زودتر به هدف رساندن‌و رقیب‌را شکست‌دادن است. اگر قبول کند که با رقیب خسته و ضعیف بنشیند در واقع او را دوباره در مسابقه در مقابل خود صاحب قوت ونیرو می سازد، فرد خسته بعداز رفع خستگی دوباره که به حرکت می افتد.

۱- قوت از دست داده را دوباره کماهی می کند.

۲- در سرعت عمل می افزاید.

۳- تمام زحمات و تکالیف فردیکه هنوز قوت راه رفتن را داشت به هدر می رود.

٤- فاصله طی شده قبلی هیچ می گردد.

٥- جریان مسابقه طولانی می شود.

روس نیز در جنگ با افغانستان خسته گردیده فشار داخلی و خارجی روس را دربن بست مطلق کشانده ، اقتصاد آن صدمه دیده ومورال نیروهـای نظامی آن شکستـه و شدت مخالفت ضد حکومتی به‌اوج خود رسیده است . در مقابل،مجاهدین رشد کمی و کیفی کرده‌اند ، زمینهٔ تفاهم و تساند میان نیروهای رزمنده بوجود آمده، توجهٔ محافل سیاسی جانب افغانستان جلب گردیده مجاهدین اماده اندکـه جنگ را ادامه دهند. روس کـه نـمی تواند ادامه دهد. بیمار و خسته گردیده خود بحالش ترحم کند و به تجاوز غیرعادلانه پایان بخشد در غیرآن ما آماده مقاومت، دفاع و تعرض هستیم هرگز دشمن را امادگی براي عملیات بعدی نـمی دهیم . چـه اوربند پایان جنگ نه ، بلکه ادامهٔ جنگ است زیرا دشمن دوباره خود را بسیج و منظم می‌سازد.

روس بداند. سر نوشتی ملتی را که از متن ویرانه های

ظلم و تعدی ، سفاک و حیله گری او تجربه یافته و باسیار اصولی توأم با اندوخته های فکری و سیاسی ، مسلح با قوت ایمان و عقیده ، ادراک وشناخت می رزمند نمی توان با چنین توطئه ها بازی گرفت.

جهاد افغانستان با طی مراحل مختلفی از کمیت الدک ، توانست اثبات قوت نماید. باوجود مشکلات داخلی و خارجی و کشمکش‌های درونی اکنون در مرحلهٔ حساس وسازنده‌ای، تعیین موقعیت کرده که شرایط فعلی نقش عامل و اساسی در سرنوشت انقلاب اسلامی افغانستان دارد.

آنطوریکه جنگ و استقامت مسلحانه باعث معرفت سیاسی ماشد - فعلاً در مرحلهٔ قرار داریم که معرفت وتشخص سیاسی ، جنگ مارا حفظ می کند و مقاومت را سرعت می بخشد . نبرد مسلحانه ایجاب فعالیت سیاسی‌منظم فعال و ثابت را می نمایدد.

اکنون سه موضوع برای روس مطرح است .

۱ - چگونه به مشکل خود در افغانستان خاتمه دهد ؟

۲ - سرنوشت عمال و نوکران آن .

۳ - نوع تشکیل حکومت آینده در افغانستان

روس تـوان ادامه جنگ را در افغ[illegible] امـ
سکست کنونی ، شکست قطعی آن نیست [illegible]داز



سیاست آنقدر ماهر و فریبکار است که با یک لحظه درنگ ، نشست و غفلت ممکن به عواقب خطرناک وغیر منتظره مواجه شویم چه اشتباه در سیاست جنایت است ،

شکست قطعی روس و پیروزی مطلق و کامل مجاهدین ـ مستلزم این دو اصل است :

الف : رابطه سنگر سیاسی با سنگر نظامی حفظ گردد ، مقاومت ملت افغانستان تا آنکه از طریق سیاسی به انحراف کشانیده نشود دشمن هرگز قادر نیست آنرا از طریق نظامی سقوط بدهد ـ انحراف که عامل سقوط و شکست جهاد است زمانی صورت‌می گیرد که‌سیاست از عقیده بیگانه شود، آنگاه تضاد میان نبرد مسلحانه و سنگر سیاسی باعث شکست‌وسقوط خواهد شد ، اگر جنگ تابع عقیده باشد اما که سیاست از عقیده فاصله گرفت امکان موفقیت وجود ندارد. رعایت احکام و تحکیم سنگر سیاسی به حکم ایمان ، مستلزم پیروزی جهاد مسلحانه است

ب : مرکز واحد سیاسی آگاه نیرو مند مستمرو پایدار، به‌حیث‌شمبول فعالیت‌جهادی براساس‌ایمان و تقوی تشکیل گردد طوریکه وحدت سیاسی ، وحدت نظامی ، وحدت رهبری ، تابع وحدت ایدیولوژیک باشد

* * * * *

لیل ۲۰ جدی ۶۰ ۱۳

مطابق ۱۰ جنوری ۱۹۸۷



در حد تکامل قرار دارد و به مرحلهٔ قوت کامل و شخصیت ثابت سیاسی ـ نظامی خود رسیده و بر اساس بررسی علمی انقلاب اسلامی افغانستان از مرحلهٔ تدارک و تهاجم به تداوم و اثبات قدرت رشد نموده و در مسیر هدف مشخص ، مواضع مستحکم را حایز می باشد ، که روس از حنجرهٔ نجیب مزدور موضوع آتش بس و برگشت آرامش و صلح را در افغانستان به صدا در آورده.

پند باز ان استعمار گر روس با نسخهٔ ستم و استبداد هر قدر فاجعه آفریدند و جنایت کردند نتوانستند بیماری شکست و افتضاح خود را در مان کنند ، با حالت جنون زدگی محض به مواضع دیگری راه می جویند که اگر شکست نظامی خود را در فریب و خدعه سیاسی جبران نمایند .

روس ایام موعود سقوطش را تشخیص داده و آنچه به عنوان صلح‌نامه پیشنهادکرده، نا وقت است . پس منظر پیشنهاد اخیر روس مبنی برخاتمه بخشیدن جنگ در افغانستان و اصطلاح آشتی ملی را که عامل برگشت امنیت و صلح انتخاب کرده اند قطعاً مردود بوده که با در نظر داشت‌دلایل و اسناد ناشی از متن اعلامیه‌هاوپیشنهادات تبلیغاتی آنان‌منطقاً غیر قابل‌اطیمنان و اعتماد می باشد .

نخست از همه نجیب‌در آغاز تشکیل پلینوم کمیته مرکزی

حزب مزدور ، بعد از بکار برد چند اصطلاح محدود که غالباً کمونیست ها استعمال می نمایند به صراحت اعتراف کرد که توطئه برگشت صلح و اصطلاح آشتی ملی حرف خود او نیست بلکه فیصلهٔ روس بوده که اورا به موجب اجرای آن حکم کرده است .

نجیب متن دست نوشت روس را به عنوان اجندا چنین خواند :

«مصالحهٔ ملی جهات تیوریک و پراتیک دارد» و بعداً مصالحه را وسیلهٔ تحقق در ساخت کار سیاسی و اقتصادی حزب می دانند و هدف از مصالحه رشد بعدی دستاورد های انقلاب ثور ! ! ! و تحکیم رژیم وفادار به اتحاد شوروی ! ! ! و تحقق کامل برنامه حزب دیموکراتیک خلق تلقی می نماید .

توطئه روس از اصطلاح برگشت صلح و خاموشی انش از لحن پر آشوب نجیب بوضاحت آشکار می گردد .

چون کمونیست ها معتقد اند که هدف وسیله را توجیه می‌کند و بر اساس این اندیشهٔ باطل به هر عمل فریب کارانه مبادرت مــی ورزنـد طوریکه به صراحت پیشنهاد صلح را جزء تیوریک و پراتیک می‌گویند ـ نینـن خبیث به مسلمانان آسیای میانه وعدهٔ آزادی و استقلال داده بود و به مجرد تسلط ، فرد

فرد مسلمان را از تیغ کشید و حالا که روس پراتیک یا عمل خود را در خصوص فریب به منظور شکستن نهضت مقاومت اسلامی دنبال نموده و پیشنهاد را رنگ تیوری میدهد، ناشی از همان روش خصمانهٔ مردمدار دست اول کمونیزم است.

چون در کمونیزم تا زمانیکه قدرت و حاکمیت مطلق را صاحب نشده اند هر نوع سازش را ضرورت و خصلت حزبی خود میدانند و اینک برنامهٔ صلح ملی را از لحاظ محتوی، ریالیستیک یعنی واقعیت انکار ناپذیر درخصلت کمونیزم گفته‌انداز همان‌ساخته های لینن کثیف است که به نوکرانش توصیه می‌کنند «از زیر بار نبردیکه به سود مانیست باید شانه خالی کرد و به عنوان مصالحه پیش آمده»

دلایل ما به خاطرعدم پذیرش اوربند چیست؟

پروگرام مرتبه‌ٔ روس در مورد مکانیزم آتش بس بوسیله‌ٔ نجیب مزدور، طی سه ماده واضح گردیده است :

اول : اوربند یک جانبه از تاریخ ۲۵ جدی ۱۳۶۵ به مرحله‌ٔ تطبیق قرار داده خواهد شد و مدت آن موقتاً شش ماه میباشد.

رد آن :

روس به مجرد تجاوز و اشغال و استقرار نیرو، بر نقاط حساس و موقعیت های سوق الجیشی کار خودرا تمام کرده است و این ملت افغانستان می باشد که بر اساس قاعده دفاع به مقاتله مشروع پرداخته اند. روس عامل تجاوز در افغانستان است و ملت افغانستان عامل دفاع و مقاومت می باشند. کار روس که اشغال است خاتمه یافته و کار مجاهدین که عقب راندن و خاتمه دادن به تجاوز است باقی مانده، بناً مسألهٔ اوربند حق روس نیست چه، این مجاهدین هستند که حمله می کنند و جنگ می نمایندتامتجاوزرانابودسازند. مسألهٔ پیشنهاد اوربند یک جانبه

عمل بی مفهوم و منطقاً از نظر مجاهدین مردود است و اینکه روس نمی خواهد بجنگد یعنی چه ؟ چه او چرا بجنگد؟ تجاوز بود کرد . جنگ از ماست و تجاوز از روس ، روس که نمی جنگد عقب رودو قوایش را خارج سازد .

دوم : آتش بس صلح نیست بلکه مقدمه ایست برای پروگرام بعدی .

رد آن :

اینکه آتش بس را مقدمه برای صلح گفته اند خود بیانگر واقعیتی میباشد که در این مرحله جنگ بصورت مطلق متوقف نمی گردد . با تجمع نیرو و قوت ، هنوز در گسترش فعالیت نظامی افزایش به عمل می آید ، زیرا روس مرحله کنونی اوربند را قدم اول در تطبیق پروگرام بعدی خوانده است - اینکه روس در پروگروم بعدی چه اهداف را دنبال خواهد کرد از مقدمه و متن پیشنهاد آنان بر می آید «اوربند عقب نشینی از موضع ما نیست در این مرحله باید تماس با باندها ، فراریان و بی‌طرفان برقرار گردد ما در این عرصه تجربه کافی داریم که چگونه باافراد مسلح مخالف روابط داشته باشیم»

در صورتیکه روس اعتراف نماید که آتش بس معنی فریب و خدعه را دارد نه اینکه راهی برای‌حل معضله و یا ختم جنگ

باشد به صراحت اوربند را زمینهٔ نفوذ سیاسی درمیان مجاهدین می خواند و از تجارب گذشته در خصوص تضعیف نهضت یاد‌آور می گردد، بناً پذیرش اوربند مساعد نمودن زمینه برای تطبیق برنامهٔ دشمن است که قطعاً جواز ندارد .

سوم : «هدف از آتش بس‌تثبیت موقف افغانستان و تحکیم رژیم‌وفادار به اتحاد شوروی‌و رشد سیاسی و اقتصادی واجتماعی رژیم کنونی افغانستان است»

رد آن :

در این ماده که نوکر روس صراحتاً هدف آتش بس را واضح‌می‌سازد که عبارت از تحکیم رژیم وفادار به لتحاد شوروی و رشد سیاسی، نظامی‌واقتصادی رژیم کنونی در افغانستان بوده نظر به این اعتراف آتش بس موضع سیاسی ، نظامی ، اجتماعی و اقتصادی رژیم مرده را استحکام می بخشد و بقای روس را در افغانستان تضمین می نماید چون مقاومت و جهاد مسلحانهٔ ملت مؤمن افغانستان به غرض‌نابودی رژیم مزدور و قطع دست روس از افغانستان آغاز گردیده با چه دلیلی می توان آنرا متوقف ساخت در صورتیکه هدف روس نظر به ادعای خود شان برآورده می گردد .

رژیم مزدور در کابل دست نوشت روس را در مورد طرح

پیشنهادی اوربند به عنوان فیصله پلنوم چنین و انمود کرد :

«بتاریخ ۲۰ جدی به عملیات سحار بوی خاتمه داده شود و از استعمال سلاح مختلف النوع جلوگیری به عمل آمده قوای مسلح قدرت خودرا متوجه حفاظت پل ها، تأسیسات نظامی، حفاظت قطارها و حفظ امنیت بکار ببندند و همچنان ممانعت از و رود سلاح و مهمات بداخل افغانستان و محافظت از فعالیت های تروریستی و ممانعت از و رود ژور نالستان خارجی صورت گیرد».

٤ـ رد آن :

دفاع و تجاوز در افغانستان مستلزم دو نوع فعالیت است. مجاهدین و قشون مهاجم روس از لحاظ جنگی دو حالت دارند مجاهدین در دفاع و تهاجم عموماً مواضع دشمن را می کوبند، قطارها و پرسونل نظامی آنرا به آتش می کشند، راه ها و پل های عبوری دشمن را قطع می نماید قرارگاه ها و گارنیزیون های دشمن را مورد حمله قرار می دهند، بر دستگاه های حکومتی ضربه وارد می کنند، منابع عایداتی و اقتصادی دشمن را معدوم می نمایند که در این نوع فعالیت دشمن در حال دفاع و مجاهدین صورت تهاجمی دارند . گروپ های عملیاتی مجاهدین در حالت تعرض در کمیت اندک اند ، تلفات وارده بر دشمن زیاد بوده در مقابل، مجاهدین یا هیچ تلفات ندارند یا کمتر دارند و صورت دومی

که دشمن تجاوز می کند برمناطق ، ساحات و مواضع مجاهدین.
در این صورت دشمن با کمیت قوی‌و نیروهای بسنده به عملیات تهاجمی می پردازد چون مجاهدین مواضع مشخصی که ضربات دشمن کارگر باشد در حال دفاع ، و دشمن با کمیتی که دارد درحال تهاجم است مجاهدین سنگردارند و قبلاً دشمن را از مواضع آماده کرده شده هدف قرار می دهند که در این صورت تلفات مجاهدین کمتر و تلفات و خسارات دشمن قابل ملاحظه است . فعالیت روس متوجه مراکز تسلیحاتی مجاهدین ، قطع راه اکمالاتی مجاهدین ، سنگرها و محل انبارمهمات غنیمتی‌مجاهدین است درحالیکه مصروفیت روس تا حال هم در همین مسایل خلاصه می‌شد چگونه راه رفت و آمد مجاهدین‌را قطع کند مراکز و مواضع آنان را نابود سازد . اما راه خودرا بازهم‌درهمین‌ساحات بازگذاشته است روس در حفظ کاروان ها ـ قطار پل ها تأسیسات و . . . حالت دفاعی داشته باشد درحالیکه قبلاً هم داشت بااین مقایسه منطقی حالت قبل از اوربند و بعد از اوربند یکسان می باشد . روس مجاهدین را حق نمی دهد که برقطار و کاروان‌های نظامی آن حمله کنند اما این‌را حق خود می داند که راه عبور و مرور مجاهدین را قطع کنند . روس مجاهدین را حق نمی دهد که به مراکز تسلیحاتی‌وتأسیسات نظامی آن حمله

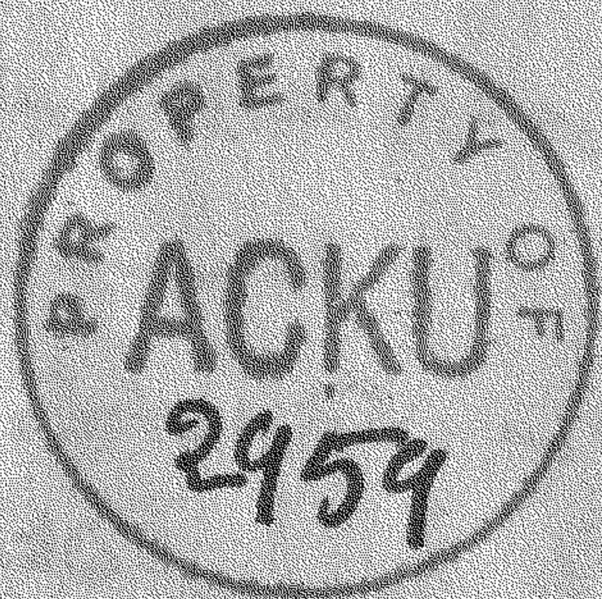
ضمیمه جریده مجاهد

ما چرا او بند را رد میکنیم

سید حبیب الله

ماچرا اوربند را رد میکنیم ؟

سید حبیب شاه







جمعیت اسلامی افغانستان

کمیتهٔ فرهنگ ـ آمریت نشرات

نام رساله : ماچرا اورتبلا وارد می کنیم ؟

نویسنده : سید [illegible]



ناشر : جریده مجاهد ارگان مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان

سال : ۱۳۶۵ ش

تیراژ : ۳۰۰۰ جلد

بسمه تعالی

به هررنگی که خواهی جامه میپوش
من از طرز خرامت میشناسم

حکومت ملحدو مزدور کابل با عنوان کردن «آشتی ملی» و «اوربند» می خواهد از سوی جنایات و وحشت خود و باداران خود را رو پوشی نماید و از جانبی میخواهد بجهانیان بنمایاند که گویا آنها صلحخواه وضد جنگ هستند و از طرف هم فکر میکنند که بعضی ها به این اعلان بازی خواهند خورد و به آنان رو خواهند آورد. اما ملت مؤمن و پیکارگر ما طوریکه در میدان نبرد دشمن وحشی و مکار خود را شکست فاحش داده در میدان سیاست نیز از حیل و د سایس آن غافل نیست از همینرو سنگر داران قلم دوشادوش سنگر داران شمشیر با این دشمن وحشی و مکار خود میرزمند و جنایات ، د سایس و وحشتهای روس و مزدوران بی‌ایمانش را افشا ورسوا مینمایند .

جریده مجاهد بحیث ارگان مرکزی نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان این را وظیفه خود میداند تا در سنگر فرهنگی جهاد با تمام د سایس وحیل دشمن مبارزه نموده

چون مشعل تابانی در سر راه مبارزان نستوه و مؤمن کشور بدرخشد ازین‌جهت با تمام امکانات و وسایل در راه نشر حقایق و وقایع تلاش و کوشش نموده و خواهند نمود . هر چند در متن صفحات خویش جوانب مختلف موضوعات روز خصوصاً جریانات‌اخیر را تحلیل و تفسیر نموده با آنهم اینک این رساله وزین راکه به قلم مجاهد جوان با احساس با درد و با درک سنگر فرهنگی جهاد برادر سید حبیب شاه تحریر گردیده ودرآن مساله‌ٔ او ربندارا‌همه جانبه بررسی نموده است ، بشکل رساله‌ٔ مستقل و بحیت ضمیمه شماره دهم جریده مجاهد چاپ و تقدیم خواننده کان گرانقدر خود میدارد امید این هم گام مؤثر دیگری باشد در جهت به ثمررساندن ارمان های‌انقلاب اسلامی کشور.

زمانی زه دی درحم قایل نه یم
شاید نه لری بل غشی په کمان کی

ع ننگیال مسؤول جریده مجاهد